



تعلیق فعالیت ۴ باغ وحش کشور به دلیل شرایط نامناسب

به گزارش خبرگزاری مهر، حمید ظهراپی معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست با تاکید بر ضرورت مدیریت و نظارت دقیق بر مراکز نگهداری جانوران وحشی گفت: پیرو ارزیابی‌های انجام شده، حدود 30 درصد از واحدهای کشور در سطح ضعیف و خیلی ضعیف قرار دارند. تاکنون بیش از 30 ابلاغیه و اخطار به ادارات کل استان‌ها برای ابلاغ به باغ‌وحش‌ها ارسال شده و در این راستا فعالیت چهار باغ‌وحش به حالت تعلیق درآمده است. همچنین ورود گونه‌های وحشی به همه واحدهای ضعیف و خیلی ضعیف ممنوع شده است.



وی با بیان اینکه در صورت عدم اصلاح شرایط، تعطیلی و جمع‌آوری کامل واحدهای متخلف اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، افزود: قاطعیت و وحدت‌رویه در ارزیابی و رتبه‌بندی، اساس ساماندهی باغ‌وحش‌های کشور است و با مراکز فاقد شرایط لازم قاطعانه برخورد خواهد شد. اساس فعالیت باغ‌وحش‌ها باید بر پایه آگاهی‌رسانی و مشارکت در راستای حفاظت از گونه‌ها باشد. ظهراپی همچنین بر ممنوعیت استفاده نمایشی از جانوران وحشی برای تولید محتوا و جلب مخاطب تاکید کرد و اظهار داشت: تمامی باغ‌وحش‌های کشور برابر 71 شاخص در 16 محور و در دو مرحله استانی و ستادی توسط تیم‌های فنی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و این روند به صورت مستمر ادامه خواهد داشت.

اخبار محیط زیست ایران

فرونشست؛ بزرگ‌ترین بحران زمین‌شناختی ایران است



فرونشست اصفهان دیگر یک بحران پنهان نیست؛ اینک زمین شهر ترک برداشته و هر شکاف، سندی بر بی‌تدبیری‌های مدیریتی سه دهه اخیر است. فرونشست اصفهان نه یک تهدید گذرا، بلکه نشانه فروپاشی هیدروژئولوژیک و ساختاری است؛ بحرانی که میراث تاریخی، زیرساخت‌های شهری و امنیت سرزمینی را هم‌زمان نشانه رفته است.

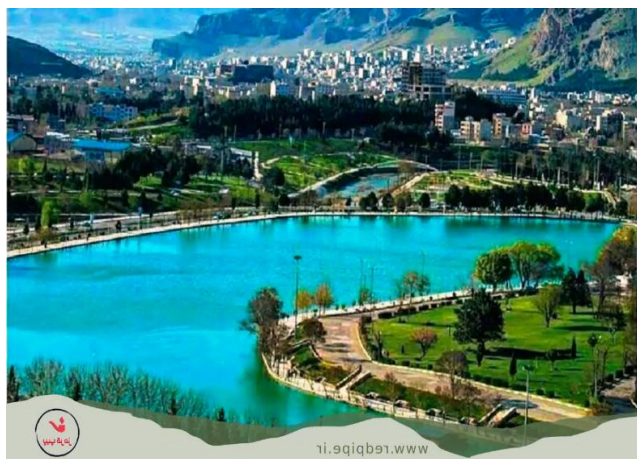
امروز شکاف‌های زمین در اصفهان چیزی بیش از ترک‌های خاک هستند؛ این‌ها دست‌خط تاریخ در محکومیت سوءمدیریت منابع هستند. هر متر فرونشست نه فقط نابودی یک زمین کشاورزی، که تهدیدی برای میراث جهانی، سرمایه‌های ملی و اعتماد اجتماعی است.

اگر این روند اصلاح نشود، اصفهان تنها نخستین قربانی است. دیگر دشت‌های ایران - از کرمان و خوزستان تا تهران و سیستان - در مسیر مشابهی گام برمی‌دارند. اصفهان به ما می‌گوید که زمین، برخلاف مسئولان، مماشات نمی‌کند. وقتی آبخوان‌ها فرو می‌ریزند، هیچ انتقالی و هیچ طرحی قادر به بازگرداندن آن‌ها نیست.

امروز پرسش اصلی این است: آیا ساختار مدیریتی کشور توان شنیدن صدای زمین را دارد؟ یا اینکه همچنان قرار است با تصمیم‌های مقطعی، آینده یک سرزمین قربانی شود؟ منبع: [رکنا](#)



مطالعه و موافقت با طرح پیشنهادی مسیر کریدور سلامت در محدوده شهر خرم آباد توسط اتحادیه اروپا



موافقت با طرح کریدور سلامت: مجد خاکی اعلام کرد که طرح پیشنهادی برای مسیر کریدور سلامت در محدوده خرم آباد مورد مطالعه قرار گرفته و با موافقت اتحادیه اروپا همراه شده است.

پروژه بین‌المللی بازآفرینی شهری: اتاق بازرگانی لرستان در راستای توسعه شهری و بهبود خدمات برای رفاه شهروندان، در پروژه بین‌المللی بازآفرینی شهری موسوم به "ارینت (URBINET)" همکاری داشته است. این پروژه با هدف انتقال تجربیات شهرهای اروپایی و اتصال محله‌های قدیمی به مناطق توسعه یافته شهری، با مشارکت اتحادیه اروپا و وزارت راه و شهرسازی از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ انجام شده و فاز مطالعاتی آن به اتمام رسیده است.

سایر اقدامات بخش خصوصی: اتاق بازرگانی به اقداماتی نظیر کمک به تأمین مالی پروژه‌های شهرداری خرم آباد از طریق بازار سرمایه، ارائه پیشنهادهای برای بهینه‌سازی مصرف انرژی (استفاده از خودروهای برقی و توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر) و همچنین ارائه طرح‌هایی برای زیباسازی و کاهش ترافیک شهری اشاره کرد.

تعهدات زیست‌محیطی جهانی: مجد خاکی به حضور فعال بخش خصوصی ایران در اجلاس کاپ ۲۹ (COP29) اشاره کرد و آن را نشانه‌ای از آمادگی برای همراهی با

فعالیت باغ‌وحش سرزمین آفتاب (زرندیه در استان مرکزی)، باغ‌وحش براسان (زابل در سیستان و بلوچستان)، باغ‌وحش سوکان (سمنان) و باغ‌وحش بابلسر (بابلسر در مازندران) به حالت تعلیق درآمد.

منبع: رونگار

کشف لاشه یک فوک خزری در ساحل جویبار ؛ شمار تلفات امسال به ۴۴ قلاده رسید



لاشه یک فوک خزری در ساحل فریدون‌کنار کشف شد؛ رخدادی که شمار مرگ‌ومیر این گونه در سواحل مازندران را از ابتدای سال تا امروز به ۴۳ قلاده رساند. به گزارش روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست مازندران، این لاشه در وضعیت پیشرفته فساد قرار داشت و به همین دلیل امکان کالبدگشایی و تعیین علت دقیق مرگ فراهم نشد.

روح‌اله اسماعیلی، معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی استان مازندران، اعلام کرد پایش سواحل با همکاری مرکز امداد و نجات فوک خزری و اداره کل دامپزشکی ادامه دارد و در صورت فراهم بودن شرایط، نمونه‌برداری‌های تخصصی انجام خواهد شد. او از جوامع محلی، صیادان و گردشگران خواست در صورت مشاهده فوک زنده یا لاشه‌های احتمالی، موضوع را به سازمان‌های محیط زیستی اطلاع دهند.

. فوک خزری تنها پستاندار بومی دریای خزر و یکی از گونه‌های در معرض خطر انقراض به شمار می‌رود.

منبع: ایرنا



این اکوسیستم حیاتی را به کانون گردوغبار و آتش‌سوزی تبدیل کرده است. گزارش‌ها هشدار می‌دهند که تا سال ۲۰۵۰، این منطقه و نواحی اطراف آن ممکن است غیرقابل سکونت شوند، و میلیون‌ها نفر را به مهاجرت اجباری وادار کنند. طوفان‌های گردوغبار ناشی از این بحران، از عراق تا خلیج فارس را درمی‌نوردند و امنیت، سلامت، و اقتصاد منطقه را تهدید می‌کنند. آیا همکاری منطقه‌ای می‌تواند این فاجعه را متوقف کند، یا میانرودان به قربانگاه تغییرات اقلیمی و سوءمدیریت تبدیل خواهد شد؟

طوفان‌های گرد و غبار و تنش‌های آبی بی‌سابقه

چشم‌هاوس در ژوئیه ۲۰۲۳ در گزارشی از افزایش شدت طوفان‌های گرد و غبار در گستره از ترکیه تا عمان خبر داده بود و عراق را به‌عنوان کشوری با بیشترین آسیب‌دیدگی برجسته کرده بود. علل اصلی این پدیده سدسازی در مناطق بالادست، مدیریت نامناسب منابع آب و زمین، و نظامی‌گری‌ست که منجر به کاهش پوشش گیاهی و جنگل‌ها شده. تغییرات آب و هوایی نیز نقش تشدیدکننده‌ای دارد، زیرا خشکسالی‌های طولانی‌تر و شدیدتر باعث بیابان‌زایی و تبدیل زمین‌های حاصلخیز به منابع دائمی گرد و غبار می‌شود؛ برای مثال، خشک شدن دریاچه هامون در مرز افغانستان و ایران، انتشار گرد و غبار را تا ۸۰ درصد در ۳۰ سال گذشته افزایش داده است.

این طوفان‌ها تأثیرات گسترده‌ای دارند، از جمله مرگ و جراحات فوری (مانند تصادفات جاده‌ای)، مشکلات بلندمدت سلامتی مانند بیماری‌های تنفسی و قلبی-عروقی، تهدید امنیت غذایی از طریق نابودی محصولات کشاورزی و مرگ دام‌ها، و اختلال در زیرساخت‌های حیاتی مانند کاهش تولید نفت و قطع برق، همانند طوفان ۲۰۱۷ در خوزستان ایران که تولید نفت را ۷۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داد. از نظر ژئوپلیتیکی، این پدیده تنش‌ها را افزایش می‌دهد و ایران، عراق، عربستان سعودی و ترکیه را به اتهام‌زنی متقابل واداشته که ممکن است به درگیری‌های بین‌المللی منجر شود. برای مقابله، گزارش بر همکاری منطقه‌ای تأکید دارد، از جمله استفاده از سیستم هشدار سازمان جهانی هواشناسی، پروژه‌های کاشت درخت بومی در عربستان و اردن، «دیپلماسی گرد و غبار»، و پروژه‌های فرامرزی.

برنامه‌های جهانی کاهش ردپای کربن و دستیابی به هدف انتشار خالص کربن صفر تا سال ۲۰۵۰ دانست.

میزبانی رویداد بزرگ: شهر خرم‌آباد در اول و دوم آذرماه میزبان بزرگ‌ترین رویداد زیست‌محیطی کشور (کنفرانس بین‌المللی محیط زیست و سلامت شهری) با حضور سفرای خارجی، رؤسای سازمان‌های بین‌المللی و شهرداران آسیایی و داخلی خواهد بود. در این رویداد پنل‌های تخصصی، رایزنی‌های اقتصادی و فرهنگی و معرفی ظرفیت‌های گردشگری پهنه زاگرس انجام خواهد شد.

برگرفته از سایت خبرانلاین

فروپاشی هورالعظیم: از باغ عدن میانرودان تا بیابان غیرقابل سکونت



ساسان نویدی - تالاب هورالعظیم، زمانی باغ عدن میانرودان، اکنون در آستانه نابودی کامل است. سدسازی‌های بالادست، کاهش شدید بارش، افزایش دما، و فعالیت‌های نفتی مخرب، این اکوسیستم حیاتی را به بیابانی غیرقابل سکونت و منشأ طوفان‌های گردوغبار تبدیل کرده‌اند. تا سال ۲۰۵۰، این منطقه ممکن است میلیون‌ها نفر را به مهاجرت اجباری وادارد و امنیت، سلامت، و اقتصاد خاورمیانه را تهدید کند. آیا دیپلماسی منطقه‌ای می‌تواند میانرودان را از این فاجعه زیست‌محیطی نجات دهد؟

تالاب هورالعظیم که زمانی نه چندان دور و نه چندان هم نزدیک، بهشت میانرودان به شمار می‌آمد، اکنون زیر فشار بحران‌های زیست‌محیطی در حال نابودی است. کاهش شدید بارش، افزایش دما، سدسازی‌های بالادست، و فعالیت‌های نفتی مخرب،



در همان حال به گزارش روزنامه خلیج تلگراف در این میان در اثر این تحولات، طوفان‌های گردوغبار با منشأ عراق مرزها را درنور دیده و کشورهای همسایه مانند کویت، عربستان سعودی، قطر، امارات، ترکیه و ایران را درگیر کرده. این طوفان‌ها باعث اختلال در حمل‌ونقل، تعطیلی مدارس و کاهش دید شده. این طوفان‌ها به قدری شدید است که اقتصادهای نفتی را تحت تأثیر قرار داده است.

منبع: رادیو زمانه

دریاچه ارومیه؛ مرثیه‌ای برای آخرین نفس‌ها



روزبه اسکندری - دریاچه ارومیه نه تنها یک اکوسیستم در حال مرگ است، بلکه هشدار جدی برای ایران و جهان است: سومدیریت منابع طبیعی، بی‌توجهی به تغییرات اقلیمی و اولویت دادن به منافع کوتاه‌مدت می‌تواند فجایعی جبران‌ناپذیر به بار آورد. امروز، نجات دریاچه ارومیه نه فقط یک وظیفه زیست‌محیطی، بلکه تعهدی به نسل‌های آینده است.

دریاچه ارومیه، که روزگاری نگین فیروزه‌ای ایران و یکی از بزرگ‌ترین دریاچه‌های شور جهان بود، امروز با نفس‌های به شماره افتاده به نمادی از فاجعه محیط زیستی تبدیل شده است. این دریاچه که روزگاری زیستگاه گونه‌های منحصربه‌فرد، مقصد پرندگان مهاجر و منبع حیات برای جوامع محلی بود، اکنون در سایه بی‌توجهی و سومدیریت حکمرانان ایران، پرشتاب به سوی نابودی کامل پیش می‌رود. کاهش شدید سطح آب، تبدیل بخش‌های وسیعی از بستر دریاچه به نمک‌زار و تهدید ریزگرد و غبار نمکی، حکایت از بحرانی چند وجهی دارد که نه تنها محیط زیست، که سلامت، اقتصاد و زندگی میلیون‌ها نفر را به خطر انداخته است.

پس از آن‌چتم هاوس در گزارشی که در سال جاری منتشر شد از شدیدترین بحران آب در هشت دهه اخیر در عراق به سبب سدسازی‌ها در ایران و ترکیه و سوءمدیریت منابع آبی خبر داد. دبی رودخانه دجله از حدود ۱۸ میلیارد مترمکعب به ۱۰ میلیارد کاهش یافته و رودخانه فرات از ۳۰ میلیارد ورودی به عراق به ۱۶ میلیارد رسیده، که این کاهش‌ها به بیابان‌زایی گسترده، کاهش تولید کشاورزی و تهدید امنیت غذایی منجر شده است. گزارش تأکید دارد که این بحران نه تنها منابع آب را تهدید می‌کند، بلکه تنش‌های داخلی را افزایش می‌دهد، زیرا کمبود آب به درگیری‌های محلی بر سر منابع منجر شده و بیش از ۱۰ هزار خانواده را مجبور به مهاجرت کرده است. دیپلماسی آب منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های کارآمد آب و اصلاح سیاست‌های داخلی برای جلوگیری از فساد و سوءمدیریت از مهم‌ترین راهکارها برای عبور از این بحران است.

باید توجه داشت که آب تنها منبع حیات است، بلکه از دوران باستان تاکنون عامل درگیری‌های تاریخی بوده. به یاد داریم که داعش از کنترل سدها و رودخانه‌ها برای استراتژی‌های نظامی استفاده کرده بود. علاوه بر این یکی از دلایل گرایش کشاورزان کنده شده از زمین به گروه‌های افراطی خشکسالی‌ست.

فروپاشی کامل تالاب هورالعظیم

رسانه‌های محلی عراق در اردیبهشت سال جاری گزارش دادند که تالاب هورالعظیم به دلیل کاهش جریان آب از ایران و فعالیت‌های نفتی در حال فروپاشی کامل است. بیش از ۹۰ درصد تالاب خشک شده و آتش‌سوزی‌های طبیعی نیز به نابودی باقی‌مانده کمک کرده است.

از دیدگاه زیست‌محیطی، این فروپاشی بخشی از بحران بزرگ‌تر آب در جنوب عراق است، که به مهاجرت اجباری ساکنان و از بین رفتن اکوسیستم منحصربه‌فردی انجامیده که زمانی میراث جهانی یونسکو بود. مقامات هشدار می‌دهند که بدون اقدام فوری، این منطقه به بیابان تبدیل خواهد شد. این بحران همچنین سلامت عمومی را تحت تأثیر قرار داده، زیرا آب آلوده و مرگ حیوانات به شیوع بیماری‌ها منجر شده است.



دریاچه‌ای که محو می‌شود

بر اساس گزارش سازمان حفاظت محیط زیست ایران در تابستان ۱۴۰۴، سطح دریاچه ارومیه به ۵۸۱ کیلومتر مربع کاهش یافته و حجم آب آن به حدود نیم میلیارد متر مکعب رسیده است—ارقامی که نشان‌دهنده عمق فاجعه هستند. تصاویر ماهواره‌ای ناسا، که در گزارش اخیر NASA Earth Observatory و Kurdistan24 منتشر شده، نشان می‌دهند که بخش‌های وسیعی از بستر دریاچه کاملاً خشک شده و به نم‌زار تبدیل شده است. مطالعات اکولوژیک) مانند مقاله (Nature 2022 نشان می‌دهند که از سال ۱۳۷۹ تا کنون، بین ۶۵ تا ۸۵ درصد از مساحت دریاچه از بین رفته است. این کاهش نتیجه ترکیبی از افزایش دمای منطقه، کاهش بارندگی و فشار بی‌امان انسانی بر منابع آب است. دریاچه‌ای که زمانی بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت داشت، امروز به کسری از شکوه گذشته‌اش تقلیل یافته و در معرض خطر تبدیل شدن به یک خاطره است.

چرا دریاچه ارومیه در حال مرگ است؟

بحران دریاچه ارومیه نتیجه هم‌افزایی چندین عامل است که هرکدام به تنهایی ضربه‌ای مهلک به این اکوسیستم وارد کرده‌اند.

سدسازی‌های بی‌رویه و مسدود کردن حلقه طبیعی

بیش از ۵۰ سد در حوضه آبریز دریاچه ارومیه ساخته شده که جریان طبیعی آب به دریاچه را مختل کرده‌اند. سدهای کلیدی مانند سد بوکان بر زبینه‌رود - مهم‌ترین منبع تأمین آب دریاچه - و سدهای علویان و شهید مدنی بر آبی‌چای، با انحراف آب به سمت کشاورزی و مصارف شهری، ورودی آب به دریاچه را به شدت کاهش داده‌اند. سدهای مهاباد، سیمینه‌رود، باراندوزچای و نازلچای نیز در این بحران نقش داشته‌اند. این سدها، که با هدف توسعه کشاورزی و تأمین آب شرب احداث شدند، عملاً حلقه طبیعی دریاچه را سلب کرده و اکوسیستم آن را به مخاطره انداخته‌اند.

کشاورزی ناپایدار و نامتوازن

گسترش زمین‌های کشاورزی در حوضه آبریز دریاچه، به‌ویژه کشت محصولات آب‌بر مانند چغندرقد و سیب، فشار سنگینی بر منابع آب منطقه وارد کرده است.

استفاده گسترده از روش‌های سنتی آبیاری مانند آبیاری غرقابی، که تا ۵۰ درصد آب را هدر می‌دهد، این وضعیت را تشدید کرده است. نبود زیرساخت‌های مدرن آبیاری و ضعف در مدیریت منابع آب کشاورزی، دریاچه را از منابع حیاتی‌اش محروم کرده است

تغییرات اقلیمی و گرمایش زمین

کاهش بارندگی و افزایش دما در منطقه شمال‌غرب ایران، تخییر سطح آب دریاچه را افزایش داده و رطوبت خاک را کاهش داده است. گزارش‌های اقلیمی نشان می‌دهند که دمای منطقه در دهه‌های اخیر به‌طور متوسط ۱٫۵ تا ۲ درجه سانتی‌گراد افزایش یافته و بارش‌ها در حوضه آبریز دریاچه تا ۲۰ درصد کاهش یافته است. این عوامل، همراه با تابش مستقیم خورشید بر بستر خشک‌شده، بخش‌های وسیعی از دریاچه را به نم‌زار تبدیل کرده است.

مدیریت نادرست منابع آب

برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی، حفر چاه‌های غیرمجاز (بیش از ۸۰,۰۰۰ چاه در منطقه) و نبود نظارت موثر، منابع آب این حوضه را به شدت تحت فشار قرار داده است. این برداشت‌ها نه تنها حلقه دریاچه را کاهش داده، بلکه باعث فرونشست زمین و کاهش کیفیت آب شده است. ضعف در سیاست‌گذاری و ناتوانی در اجرای برنامه‌های مدیریت پایدار آب، این بحران را به نقطه‌ای غیرقابل بازگشت نزدیک کرده است.

پیامدهای چندوجهی، فاجعه‌ای فراتر از دریاچه

خشک شدن دریاچه ارومیه تنها یک فاجعه محیط زیستی نیست؛ بلکه بحرانی چندبعدی است که زندگی و سلامت میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

دریاچه ارومیه زمانی زیستگاه گونه‌های بومی مانند آرتمیا (میگوی آب شور) و مقصد هزاران پرند مهاجر مانند فلامینگوها بود. کاهش سطح آب و افزایش شوری، این گونه‌ها را در معرض انقراض قرار داده و چرخه‌های اکولوژیک منطقه را مختل کرده است.

بازنگری در تخصیص آب سدها و تضمین ورود جریان حداقل آب به دریاچه اولین گام برای احیای اکوسیستم



منابع آب نیز از اقدامات اساسی به شمار می رود. و در نهایت مشارکت جوامع محلی و جلب همکاری کشاورزان و ساکنان محلی برنامه های مدیریت آب، از طریق آموزش و مشوق های اقتصادی، می تواند اثربخشی تمام این اقدامات را افزایش دهد.

استفاده از فناوری های سنجش از دور و داده های ماهواره ای برای پایش مستمر وضعیت دریاچه و ارزیابی اثرات گرد و غبار نمکی نیز از نظر نباید دور بماند.

چشم انداز: پایانی تلخ یا امیدی برای آینده؟

احیای دریاچه ارومیه به روزهای اوج خود در دهه ۱۳۷۰، با آن وسعت و حجم آب، نیازمند دهه ها زمان، میلیاردها دلار سرمایه گذاری و اراده ای قوی در سطح ملی است. متأسفانه، موانع سیاسی، اقتصادی و زیرساختی، همراه با تشدید تغییرات اقلیمی، این هدف را به چالشی عظیم تبدیل کرده است. بدون اقدامات فوری و هماهنگ، دریاچه ارومیه به زودی به بخشی از تاریخ تبدیل خواهد شد و پیامدهای آن - از گرد و غبار نمکی تا مهاجرت های گسترده - زندگی میلیون ها نفر را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

دریاچه ارومیه نه تنها یک اکوسیستم در حال مرگ است، بلکه هشدار جدی برای ایران و جهان است: سومدیریت منابع طبیعی، بی توجهی به تغییرات اقلیمی و اولویت دادن به منافع کوتاه مدت می تواند فجایعی جبران ناپذیر به بار آورد. امروز، نجات دریاچه ارومیه نه فقط یک وظیفه زیست محیطی، بلکه تعهدی به نسل های آینده است.

منابع:

1. گزارش سازمان حفاظت محیط زیست ایران، تابستان ۱۴۰۴ (iranintl.com)، ۱۹ مرداد ۱۴۰۴

2. دریاچه ارومیه به تاریخ پیوست «، Kurdistan24، بر اساس تصاویر ناسا.

3. دریاچه ارومیه دوباره کوچک می شود»، NASA Earth Observatory، تحلیل تصویری تغییرات سطح آب.

4. مقاله: «نقش فعالیت های انسانی در خشک شدن دریاچه ارومیه». (Nature, Scientific Reports, 2022)

آن است. مدرن سازی کشاورزی و جایگزینی روش های آبیاری مدرن مانند آبیاری قطره ای و کاشت محصولات کم آب برنیز می تواند مصرف آب را تا ۴۰ درصد در این حوضه کاهش دهد.

بستر خشک شده دریاچه به منبعی برای گرد و غبار نمکی تبدیل شده است. وزش باد این ذرات را به شهرهای اطراف، از جمله تبریز و ارومیه، منتقل می کند و خطر بیماری های تنفسی، آلرژی ها و حتی سرطان ریه را افزایش داده است.

کاهش منابع آب، کشاورزی منطقه را با چالش مواجه کرده و درآمد کشاورزان را کاهش داده است. مشکلات تأمین آب شرب و صنعتی، همراه با کاهش فرصت های اقتصادی، مهاجرت اجباری از روستاها به شهرها را افزایش داده و معیشت جوامع محلی را به خطر انداخته است.

این پیامدها نشان می دهند که خشک شدن دریاچه ارومیه تنها به از دست رفتن یک دریاچه محدود نمی شود، بلکه بحرانی است که سلامت، اقتصاد و پایداری اجتماعی منطقه را تهدید می کند.

تلاش های احیا: امیدهایی شکننده

طی دهه گذشته، تلاش هایی برای احیای دریاچه ارومیه انجام شده است، از جمله پروژه های انتقال آب بین حوضه ای، اصلاح الگوی کشت و اقدامات مدیریتی. با این حال، این تلاش ها در برابر سرعت تخریب دریاچه ناکافی بوده اند. پروژه های انتقال آب با هزینه های بالا و اثربخشی محدود همراه بوده اند، و اصلاح الگوی کشت به دلیل مقاومت های اجتماعی و اقتصادی به کندی پیش رفته است. نبود اراده سیاسی قوی و هماهنگی بین دستگاه های مختلف، این اقدامات را به تلاش هایی پراکنده و ناکارآمد تبدیل کرده است.

بازنگری در تخصیص آب سدها و تضمین ورود جریان حداقل آب به دریاچه اولین گام برای احیای اکوسیستم آن است. مدرن سازی کشاورزی و جایگزینی روش های آبیاری مدرن مانند آبیاری قطره ای و کاشت محصولات کم آب برنیز می تواند مصرف آب را تا ۴۰ درصد در این حوضه کاهش دهد.

جلوگیری از حفر چاه های غیرمجاز و مدیریت پایدار منابع آب زیرزمینی برای کاهش فرونشست زمین و حفظ



و فرونشست زمین، منجر به کوچ اجباری روستاییان شود.

آنها می‌گویند این همان فاجعه‌ای است که در استان اصفهان، کرمان و یزد با بهره‌برداری بی‌رویه از منابع زیرزمینی، امروز به بحرانی ملی تبدیل شده است.

سوابق یک بحران: از تصرف زمین‌ها تا تفاهم‌نامه

پیش از آغاز طرح‌های بزرگ، شرکت ماهان در سال ۱۳۹۹ صدها هکتار از زمین‌های کشاورزی مردم بلوچ در باهوکلالت شهرستان دشتیاری را به بهانه نداشتن سند مصادره کرد. این زمین‌ها که سابقه مالکیت اجدادی داشتند، با این اقدام از دست کشاورزان محلی خارج شدند.

در مهرماه ۱۴۰۰ تفاهم‌نامه‌ای میان شرکت هواپیمایی ماهان، نماینده علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی در بلوچستان، استاندار وقت و فرمانده قرارگاه قدس جنوب شرق کشور به امضا رسید. در این نشست، آیت‌الله مصطفی محامی، نماینده خامنه‌ای، سیستان و بلوچستان را «دریایی از ظرفیت‌ها» خواند و بر لزوم سرمایه‌گذاری برای توسعه کشاورزی و گردشگری تأکید کرد. این تفاهم‌نامه، راه را برای واگذاری گسترده زمین‌های بلوچستان به این شرکت باز کرد.

یک سال پس از تفاهم‌نامه، هلدینگ ماهان سرمایه‌گذاری دو هزار میلیارد تومانی برای کشت خرما در میرجاوه را آغاز کرد. همزمان، سه هزار هکتار در سواحل مکران و چهار هزار هکتار در باهوکلالت دشتیاری به این شرکت واگذار شدند. همچنین چندین هزار هکتار زمین دیگر در دشت تل نزدیک مه‌گس (مهرستان) نیز به این هلدینگ که فعالیت اصلی آن حمل‌ونقل و معادن است، واگذار شد.

این واگذاری‌های گسترده، پرسش‌هایی درباره پشت‌پرده این اقدامات و احتمال تغییر کاربری زمین‌ها در آینده مطرح کرد. اهالی روستای مولتان در شهرستان مه‌گس (مهرستان) در خرداد ۱۴۰۳ با تصرف زمین‌های کشاورزی خود توسط شرکت ماهان به بهانه اجرای طرح کشاورزی مواجه شده‌اند. این شرکت قصد داشت ۳۵۰۰ هکتار از زمین‌های حاصلخیز این روستا را تصاحب کند. مردم محلی می‌گفتند این طرح بهانه‌ای برای احداث معدن و استخراج از کوه‌های اطراف است.

5. مقاله: «علل، پیامدها و راهکارهای کاهش دریاچه ارومیه» (Frontiers in Environmental Science, 2021).

6. مقاله: «گرد و غبار نمکی دریاچه ارومیه و تأثیرات بهداشتی» (PMC, National Library of Medicine, 2024)

منبع: رادیو زمانه

فرونشست زمین در سیستان و بلوچستان؛ سایه طرح‌های کشاورزی سپاه پاسداران بر آینده بلوچ‌ها



فعالان محیط زیست هشدار می‌دهند که طرح‌های گسترده کشاورزی شرکت «ماهان» وابسته به سپاه پاسداران در بلوچستان، سناریوی فاجعه‌بار اصفهان، کرمان و یزد را تکرار خواهد کرد.

«کمپین فعالین بلوچ» که خبرهای مربوط به بلوچ‌ها را منتشر می‌کند، جمعه ۲۸ شهریور گزارش داد که شرکت «ماهان» متعلق به سپاه پاسداران در سال‌های اخیر طرح‌های گسترده کشاورزی را بدون در نظر گرفتن شرایط اقلیمی، ظرفیت محیط زیستی منطقه بلوچستان و میزان آب سفره‌های زیرزمینی آن به‌اجرا گذاشته و بیم فرونشست زمین و نابودی منابع طبیعی این استان را افزایش داده‌اند.

بنا به این گزارش، کارشناسان محیط زیست تأکید می‌کنند که این روند می‌تواند افزون بر تشدید بحران آب



پاییز زیبا

رنگین‌تر از حناست بهار و خزانِ ما

بر دستِ خویش بوسه دهد باغبانِ ما

چون صبح، در محبتِ خورشید، صادقیم

این تب، برون نمی‌رود از استخوانِ ما

صائب تبریزی



در بلوچستان، اراضی شهری و مناطق استراتژیک تحت کنترل سازمان‌های دولتی و نهادهای وابسته به حکومت قرار دارند. این زمین‌ها میان نهادهایی همچون ارتش، سپاه پاسداران، بنیاد مسکن، تعاونی‌های مرتبط با استانداری و شهرداری توزیع شده‌اند. این ترکیب پیچیده از نهادهای حکومتی و نظامی موجب شده که تصرف زمین‌ها نه تنها یک مسئله اقتصادی بلکه ابزاری برای اعمال کنترل سیاسی و اجتماعی نیز باشد.

پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی

کارشناسان محیط زیست می‌گویند که برداشت بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی برای اجرای این طرح‌های کشاورزی، فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر را رقم خواهد زد. این اقدامات می‌تواند به خشکی رودها، نابودی پوشش گیاهی بومی و در نهایت فرونشست زمین بینجامد. پیش از این نیز سیستان و بلوچستان با بحران‌های متعدد زیست‌محیطی و خشکسالی‌های پی‌درپی روبه‌رو بوده و سفره‌های آب زیرزمینی آن به شدت افت کرده‌اند. افزون بر پیامدهای زیست‌محیطی، این اقدامات منجر به نابودی معیشت مردم محلی خواهد شد. کشاورزان بومی که تنها منبع درآمدشان همین زمین‌های حاصلخیز است، نگران از دست دادن زندگی و آینده خود هستند.

درخواست توقف فوری

«کمپین فعالین بلوچ» خواستار توقف فوری طرح‌های غیرکارشناسی شرکت ماهان و انجام ارزیابی‌های محیط زیستی شفاف پیش از هرگونه اقدام جدید است. این کمپین هشدار داد که واگذاری‌های سریع و گسترده زمین به شرکت‌های غیربومی وابسته به نهادهای خاص همچون سپاه پاسداران، این نگرانی را تقویت می‌کند که ثروت بلوچستان به سود کسانی غیر از مردم این استان به یغما برود.

در سیستان و بلوچستان بحران اقلیمی سلامت و حیات ۴۰۰ هزار نفر را تهدید و ساکنان روستاها را به ترک زادگاه و سکونتگاه‌شان مجبور می‌کند. دست‌کم ۲۰۰ روستا بر اثر تغییرات اقلیمی در این منطقه متروکه شده‌اند

جهت تماس با بولتن محیط زیست

bulletinenviro@gmail.com

<https://www.radiozameh.com/86519>



اخبار محیط زیست جهان

گزارش سازمان ملل: چرخه آب جهانی بی ثبات تر شده است



بر اساس گزارشی از سازمان جهانی هواشناسی، چرخه آب در سراسر جهان به طرز فزاینده‌ای غیرقابل پیش‌بینی شده و بین خشکسالی‌های شدید و سیلاب‌های ویرانگر در نوسان است. بر اساس این گزارش، سال ۲۰۲۴ ششمین سال متوالی است که نیمی از رودخانه‌های جهان با عدم تعادل شدید آب مواجه بوده‌اند. کارشناسان، تغییرات اقلیمی را دلیل اصلی این پدیده می‌دانند. این عدم تعادل به وقایع مختلفی منجر شده است؛ از جمله مناطق وسیعی از آمریکای جنوبی و آفریقا با خشکسالی شدید روبه‌رو بوده‌اند و بخش‌هایی از اروپای مرکزی، آفریقا و آسیا سیل‌های سنگینی را تجربه کرده‌اند. همچنین، یخچال‌های طبیعی با سرعت بی‌سابقه‌ای در حال ذوب شدن هستند. طبق این گزارش، در حال حاضر ۳٫۶ میلیارد نفر در جهان دست‌کم یک ماه از سال با کمبود آب مواجه هستند و پیش‌بینی می‌شود این رقم تا سال ۲۰۵۰ به ۵ میلیارد نفر برسد.

منبع: رادیو زمانه

برند پوشاک کانادایی آرک‌تیکس پس از برپایی نمایش آتش‌بازی در کوه‌های هیمالیا در تبت عذرخواهی کرد.

مقام‌های چین هم گفته‌اند در مورد آسیب‌های احتمالی این آتش‌بازی که برای تبلیغ این برند انجام شده، تحقیق خواهند کرد. ویدیوهای منتشرشده از

این رویداد در ۱۹ سپتامبر، آتش‌بازی‌های رنگارنگی را در دامنه کوه‌های هیمالیا در تبت نشان می‌دهند که بر اساس طرحی از کای گوچیانگ، هنرمند چینی اجرا شد. اما این کمپین تبلیغاتی با موجی از انتقادات در فضای مجازی روبه‌رو شد.

منتقدان می‌گویند برپایی آتش‌بازی در منطقه‌ای با اکوسیستمی آسیب‌پذیر با تصویر این برند به‌عنوان یک شرکت «دوستدار محیط زیست» در تضاد است و خواستار تحریم آن شدند. به دنبال این انتقادات، این شرکت کانادایی عذرخواهی کرد و گفت که این اقدام با ارزش‌های آرک‌تیکس همخوانی نداشت.

برگرفته از سایت بی بی سی

تحقیقات تازه نشان می‌دهد که در بیشتر کشورها استخراج زغال‌سنگ، گاز و نفت رو به افزایش است.

تحقیقات تازه نشان می‌دهد که در بیشتر کشورها استخراج زغال‌سنگ، گاز و نفت رو به افزایش است. داده‌های این گزارش را بیش از ۵۰ دانشمند از سراسر جهان تهیه و در آن برنامه‌های افزایش مصرف سوخت‌های فسیلی را با اهداف توافق زیست‌محیطی پاریس مقایسه کرده‌اند.

این گزارش می‌نویسد که «افزایش بی سابقه» استخراج منابع طبیعی در کشورهای جهان با وجود تعهد بین‌المللی به تغییرات اقلیمی و گذار به منابع انرژی پاک اتفاق می‌افتد.

منبع: بی بی سی

انگلستان پرباران چگونه دچار کمبود آب شد؟

در حالی که انگلستان به باران‌های سیل‌آسا مشهور است، بحران آب و هوایی، رشد جمعیت و مصرف بی‌رویه آب موجب شده تا آنچه که زمانی غیرقابل تصور بود، ممکن شود.

مخازن آب انگلستان در پایین‌ترین سطح خود در حداقل یک دهه اخیر قرار دارند و برای کاهش فشار کم‌آبی، به چندین ماه بارندگی بالاتر از حد متوسط نیاز است.



غنی آب داشته، این منابع نادیده گرفته شده‌اند و کمبود آب هرگز واقعاً موضوعی جدی نبوده است، اما با رشد جمعیت و تغییرات آب و هوایی، این موضوع خودنمایی کرده است.



خانوارهای بریتانیایی به طور متوسط روزانه حدود ۱۵۰ لیتر آب مصرف می‌کنند، در حالی که این میزان در فرانسه ۱۲۸، آلمان ۱۲۲ و اسپانیا ۱۲۰ لیتر است، گرچه که مصرف روزانه ایتالیایی‌ها ۲۴۳ لیتر است.

البته اسراف حتی قبل از رسیدن آب به شیرهای منازل نیز شروع می‌شود. شرکت‌های آب در انگلستان و ولز سالانه حدود ۱ تریلیون لیتر آب را از طریق نشتی شبکه توزیع دست می‌دهند. البته شرکت‌های آب متعهد شده‌اند که تا سال ۲۰۵۰ میزان نشت آب را نصف کنند. همچنین طی ۳۰ سال گذشته و با وجود رشد قابل توجه جمعیت و تغییرات آب و هوایی، هیچ مخزن جدیدی ساخته نشده است. مخازن آب انگلستان اکنون پایین‌ترین سطح خود را در حداقل یک دهه گذشته دارند و به طور متوسط فقط ۶۷.۷ درصد از ظرفیت آنها پر است.

اما آیا خصوصی‌سازی صنعت آب و فاضلاب در سال ۱۹۸۹ باعث این وضعیت شده است؟ سیستم آب انگلستان مورد انتقاد گسترده قرار دارد و گروهی خصوصی‌سازی را عامل کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها می‌دانند. برخی می‌گویند به جای این که درآمد حاصل از قبوض مشتریان صرف سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها شود، به عنوان سود سالانه به سهامداران پرداخت می‌شود؛ برخی دیگر هم سیستم

در طول خشکسالی سال ۲۰۲۲ نیز کم مانده بود که لندن با کمبود جدی آب مواجه شود. در حالی که مخازن آب شهری و آب‌های زیرزمینی به سرعت در حال تخلیه بودند، شرکت‌های آب و دولت به شدت برای بارش لحظه شماری می‌کردند.

طرح‌های اضطراری برای ممنوعیت استفاده کسب‌وکارها از آب آماده شد؛ استخرهای هتل‌ها تخلیه شد، شستشو و نظافت ادارات متوقف شد. هر چند این بحران با اتمام کمبود بارش‌ها در کمتر از یکسال رفع شد ولی نمونه‌ای بود از آن چه می‌تواند رخ دهد.

چنان که دولت روز سه‌شنبه اعلام کرد که انگلستان به دلیل ادامه آب و هوای خشک، با کمبود جدی آب مواجه شده است. در سراسر انگلستان هم‌اکنون از استفاده از شلنگ آب توسط مردم برای آبیاری باغچه‌ها ممنوع شده و وضع محدودیت‌های بیشتری در ماه‌های آینده محتمل است.

مرکز اکولوژی و هیدرولوژی بریتانیا (UKCEH)، یک مؤسسه تحقیقاتی مستقل، نسبت به جریان کم آب در رودخانه‌ها هشدار داده است. موجودی مخازن آب نیز در سطح بسیار پایین قرار دارند و سطح آب‌های زیرزمینی نیز در حال کاهش است. خشکسالی‌ها در انگلستان معمولاً رویدادهایی دو ساله هستند. تجربه یک سال هوای خشک یعنی شروع اتمام منابع آبی، درست شبیه آن چیزی که این روزها در حال وقوع است.

پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند که تا سال ۲۰۵۵، تأمین آب عمومی انگلستان احتمالاً با کمبود ۵ میلیارد لیتر در روز روبه‌رو می‌شود که معادل بیش از یک سوم منابع موجود امروز است. چگونه انگلستان، که به بارش‌های زیاد و سرسبزی شهرت دارد و نماد ملی آن برای بسیاری یک چتر است، به این وضعیت دچار شده است؟

بریتانیا یکی از بارانی‌ترین مناطق اروپا است. در بخش‌هایی از انگلستان، به طور متوسط سالانه ۲۰۰۰ میلی‌متر باران می‌بارد، در حالی که در بخش‌هایی از جنوب شرق این مقدار به ۷۰۰ میلی‌متر کاهش می‌یابد. شاید به این دلیل که این کشور همیشه منابع



به باور دانشمندان، اگر روند مصرف سوخت‌های فسیلی مهار نشود، دمای جهانی می‌تواند تا پایان قرن جاری به سه درجه افزایش یابد. این میزان افزایش دما، آتش‌سوزی‌ها را به فاجعه‌ای غیرقابل کنترل بدل خواهد کرد.

در تابستان امسال آتش‌سوزی‌های گسترده‌ای در شبه‌جزیره ایبری، به‌ویژه اسپانیا و پرتغال، رخ داد که هم از نظر وسعت و هم شدت بی‌سابقه بودند.

پژوهش تازه گروه «نسبت‌دهی هوای جهان (World Weather Attribution)» نشان می‌دهد تغییرات اقلیمی عامل اصلی تشدید شرایط جوی خشک، گرم و پر باد است. این شرایط جوی، احتمال وقوع چنین آتش‌سوزی‌هایی را حدود ۴۰ برابر و شدت آن‌ها را ۳۰ درصد افزایش داده است.

به گفته پژوهشگران، پیش از تغییرات اقلیمی، چنین شرایط جوی همراه با گرمای شدید، خشکی و باد امری نادر به‌شمار می‌رفت که تقریباً هر ۵۰۰ سال یک بار اتفاق می‌افتاد. اما امروز با افزایش ۱.۳ درجه‌ای دما، چنین شرایطی به‌طور متوسط هر ۱۵ سال یک‌بار رخ می‌دهد.

موج گرمای پیشین در اسپانیا که رکورد ده روز متوالی دمای بالای ۴۰ درجه را ثبت کرد، به گسترش سریع آتش دامن زد. از آغاز سال ۲۰۲۵ تاکنون بیش از ۳۸۰ هزارهکتار زمین در اسپانیا و ۲۶۰ هزار هکتار در پرتغال طعمه حریق شده است؛ یعنی چهار برابر مساحت شهر لندن و حومه‌های آن.

این میزان معادل دوسوم کل مساحت اراضی سوخته اروپاست که امسال برای نخستین بار از مرز یک میلیون هکتار گذشته است.

پیامدهای این آتش‌سوزی‌ها فاجعه‌بار بوده‌اند: دست‌کم هشت نفر جان خود را از دست دادند، ده‌ها هزار نفر آواره شدند و دود غلیظ و آلوده آتش‌سوزی به فرانسه، بریتانیا و حتی کشورهای اسکاندیناوی هم رسید.

در جریان این آتش‌سوزی‌های شدید، اسپانیا برای نخستین بار از سازوکار حفاظت مدنی اتحادیه اروپا درخواست کمک کرد. فریدریکه اتو، استاد علوم اقلیمی در مرکز سیاست‌های زیست‌محیطی، گفت

انحصاری بخش خصوصی را مقصر می‌دانند که اولویت را به پایین نگه داشتن هزینه‌های مشتریان داده است. شرکت‌های آب هم معتقدند که مردم از کاهش مصرف آب خوششان نمی‌آید و به راحتی زیر بار صرفه‌جویی نمی‌روند.

اما هلن ویکهام، رئیس گروه ملی خشکسالی، می‌گوید: «ما از همه می‌خواهیم نقش خود را ایفا کنند ولی شرکت‌های آب باید نشت‌ها را سریعاً برطرف کنند و در صرفه‌جویی در آب پیش‌تاز باشند». او ادامه می‌دهد: «این بحران نیازمند یک تغییر بنیادین است: از سرمایه‌گذاری برای بازسازی چرخه‌های آب گرفته تا تغییر نحوه استفاده ما از هر قطره آب».

کارشناسان نیز راهکارهایی را پیشنهاد کرده‌اند. از جمله ایجاد امکان جمع‌آوری آب باران برای استفاده داخلی مانند توالت و ماشین لباسشویی باشد. همچنین به باور آنها کاهش یک دقیقه‌ای زمان دوش گرفتن و استفاده از سردوشی‌های کم‌مصرف می‌تواند موجب صرفه‌جویی قابل توجه در مصرف آب شود. گروهی هم از دولت خواسته‌اند تا با نصب کنترهای هوشمند، خانوارهایی را که از آبپاش و استخرها استفاده می‌کنند، مشمول پرداخت‌های سنگین کند. به‌طور گسترده‌تر، کشاورزان هم می‌توانند با اصلاح شیوه آبیاری خود در کاهش مصرف آب سهیم شوند.

برگرفته از سایت یورونیوز

آتش‌سوزی‌های بی‌سابقه در پرتغال و اسپانیا؛ محققان می‌گویند تغییرات اقلیمی عامل اصلی این فاجعه است





سوخت های فسیلی استفاده می کند و...». از دید او، سیاست های محیط زیستی به جای کمک به طبیعت، زمینه ساز انتقال تولید و صنعت از کشورهای توسعه یافته به کشورهای آلاینده شده است.

اینها بخشی از سخنان تکراری رئیس جمهور آمریکا درباره رویکردهای محیط زیستی جمهوری خواهان ایالات متحده است که از تریبون سازمان ملل متحد و در هشتادمین مجمع عمومی ملل متحد بیان شد. فقط اندکی پس از سخنان دبیرکل که گرمایش زمین، تولید کربن مازاد و تغییر اقلیم را یکی از چالش های پیش روی بشر نام نهاده و درباره آن هشدار داده بود، پرزیدنت ترامپ در این سخنرانی نه تنها به تحلیل سوخت های فسیلی و ضرورت مصرف آن در آمریکا پرداخت که حتی دیگر متحدان خود به ویژه در قاره سبز را هم تشویق به کنار نهادن منابع تجدیدپذیر انرژی کرد و بارها بر ضرورت استخراج و بهره برداری از منابع نفتی دریای شمال از سوی انگلیس پافشاری کرد.

اگرچه روسای جمهور پیشین آمریکا و از جمله جورج بوش پدر و پسر نیز پیش تر و از همین تریبون درباره تغییر ناپذیری سبک زندگی آمریکایی صحبت کرده بودند، ولی از هیچ یک از متحدان خود درخواستی این چنینی نداشتند که مصرف سوخت های فسیلی را جایگزین منابع انرژی تجدیدپذیر کنند.

این دیدگاه تندروانه ترامپ، خبر بدی برای کارشناسان محیط زیست در مقیاس جهانی است. تولید کربن مازاد و در پی آن گرمایش زمین و تغییر اقلیم، دست کم تا پایان دوران چهارساله ریاست جمهوری ترامپ نه تنها کاهش نخواهد یافت، بلکه ممکن است بیشتر هم بشود. این مسئله اگرچه روند تولید همه چیز را در آمریکا افزایش خواهد داد، ولی بدون تردید به سنگین تر شدن بدهی اکولوژیک جهان شمال به جهان جنوب نیز منجر خواهد شد.

بدهی اکولوژیک جهان شمال

چنانچه چالش محیط زیست و دغدغه های مربوط به آن را مانند نهالی بدانیم که چندین دهه از کاشت آن در خاک کره زمین می گذرد، بی تردید گزاره هایی مانند بدهی محیط زیستی، بدهی اکولوژیک یا بدهی زیست بومی (Ecological Debt) و در نگاهی رادیکال،

تغییرات اقلیمی به اسپانیا «ضربه شدیدی» زده است. او در این زمینه افزود: «این آتش سوزی های عظیم پس از سیلاب های ویرانگر والنسیا و تابستانی دیگر با گرمای بی امان بالای ۴۰ درجه رخ داده اند.»

به باور دانشمندان، اگر روند مصرف سوخت های فسیلی مهار نشود، دمای جهانی می تواند تا پایان قرن جاری به سه درجه افزایش یابد. این میزان افزایش دما، آتش سوزی ها را به فاجعه ای غیرقابل کنترل بدل خواهد کرد. منبع: یورو نیوز

سخنرانی ترامپ در هشتادمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد

بدهکاران و بستانکاران محیط زیستی از بوش پدر تا دونالد ترامپ

حنیف رضا گلزار (کنشگر و پژوهشگر محیط زیست و منابع طبیعی)

گرمایش زمین و تغییر اقلیم دروغ است... کلاهبرداری بزرگ است! مزخرف است... مهاجرت غیرقانونی و هزینه های سنگین انرژی سبز به اصطلاح تجدیدپذیر، در حال از بین بردن بخش بزرگی از دنیای آزاد هستند. پیش بینی های سازمان ملل و دیگران درباره گرم یا سرد شدن زمین اشتباه بوده و این پروژه ها اغلب با انگیزه های سیاسی دنبال می شوند.



چین درحالی که بزرگ ترین صادر کننده تجهیزات نیروگاه های بادی و خورشیدی در جهان است، ولی خود از



است» (دارابی، ۲۰۱۶). کوتاه و گویا اینکه بدهی یا امپریالیسم محیط زیستی در پی بیان این نکته است که کشورهای پیشرفته که امروز خود را پرچم دار حفاظت از محیط زیست زمین می دانند و با دستاویزهایی مانند گرمایش زمین، آسیب لایه اوزون، ذوب شدن یخ های قطبی و آسیب و ناپایداری تنوع زیستی و ده ها گزاره چالش زای دیگر در پی به کار بستن پاره ای چارچوب ها و اهرم های فشار برای جلوگیری از توسعه و پیشرفت کشورهای جهان جنوب هستند.

این در حالی است که خود در گذشته و به ویژه پس از پیروزی انقلاب صنعتی و افزایش سرسام آور بهره برداری از منابع و تولید و مصرف روزافزون همه چیز، آسیب ها و خراب کاری های بدون بازگشتی را بر زمین و زیست مندان آن تحمیل کرده اند. پس این کشورهای ثروتمندشده در پی تاراج منابع سراسر کره زمین، به ویژه منابع طبیعی کشورهای کمتر توسعه یافته، امروز باید به تنهایی بار سنگین این خراب کاری ها و به بیان دیگر پرداخت این بدهی ها را بر دوش بکشند، نه اینکه کشورهای در حال توسعه را از پیمودن مسیری که جهان اول دو سده با شتاب آن را پیمود، بازدارند.

نگاه بدهی محیط زیستی، کشورهای جهان سوم یا همان جهان جنوب را بستانکار از محیط زیست و کشورهای پیشرفته یا همان جهان شمال را بدهکار به محیط زیست می داند. به بیان دیگر، «کشورهای جهان سوم پافشاری می کنند که شمال، بدهی ای زیست بومی به جنوب دارد، بدهی ای که از دوره تاریخی امپریالیسم زیست بومی ناشی می شود» (فاستر، ۲۰۰۹).

چالش کربن

از میان بی شمار چالشی که پس از پیروزی انقلاب صنعتی، زمین و همه زیست مندان با آن دست و پنجه نرم می کنند، افزایش تولید گازهای گلخانه ای و به ویژه دی اکسید کربن مازاد وارد شده به اتمسفر زمین، بزرگ ترین و نگران کننده ترین چالش است. داده های بسیار زیادی درباره افزایش غلظت دی اکسید کربن و دیگر گازهای گلخانه ای اتمسفر و پیامدهای زیان بار آن در دسترس همگان است، بنابراین در این بخش برای جلوگیری از دوباره پردازی، به بازگفت آنها

امپریالیسم محیط زیستی را که بیشتر از سوی چپ ها به کار برده می شود، باید همانند دانه ای بدانیم که به تازگی دوره خواب خود را گذرانده و جوانه زنی خود را آغاز کرده است.

گزاره بدهی محیط زیستی را نخستین بار سازمان های مردم نهاد و کوشندگان محیط زیست آمریکای جنوبی وارد ادبیات کنشگری محیط زیست جهان کردند . (Goeminne et al. 2009) آلفرد کرازبی، آفریننده اندیشگاه مبادله کلمبی (Columbian Exchange) که خود این دیدگاهش می تواند در جایگاه زیربنای بدهی محیط زیستی واکاوی شود، با نگاهی رادیکال تر در سال ۱۹۸۶ و برای نخستین بار واژگان امپریالیسم زیست بومی را در کتابی با نام امپریالیسم زیست بومی، گستره زیستمانی اروپا ۱۹۰۰-۹۰۰ بیان کرد. پس از بیان پرسمان امپریالیسم زیست بومی از سوی کرازبی، رفته رفته و به ویژه پس از سال ۱۹۹۰، پرسمان نوین «مسئولیت پذیری کشورهای غربی - جهان شمال- در برابر چالش های محیط زیستی کشورهای جهان سوم در راستای عدالت زیستی بیان شد» (Ramasar et al. 2015).

ریشه بنیادین بدهی محیط زیستی به جریان مواد خام و انرژی از جهان جنوب به جهان شمال بازمی گردد. دستاورد چنین جریانی از جابه جایی ماده و انرژی، شکل گیری چالش های فراوان محیط زیستی و اجتماعی برای مردمان جهان جنوب بوده و همین چالش ها به شکل گیری پویایی با نام محیط گرایی فقرا انجامید . (Goeminne & Paredis. 2010). به بیان ساده تر، بدهی اکولوژیکی براساس این استوار است که کشورهای شمال با استعمار منابع طبیعی، آلودگی محیط زیستی و انتشار گازهای گلخانه ای، هزینه های محیط زیستی و اجتماعی خود را به دوش کشورهای جنوب گذاشته اند.

بدهی محیط زیستی یا در نگاه سیاست مداران رادیکال، امپریالیسم زیست بومی، در پی آن است تا «به بررسی مسئله ناپایداری در سایه نابرابری و نبود تعادل فضای حاصل از نظام های جهانی پرداخته و چالش های محیطی این فرایند را واکاوی کند. پافشاری این پرسمان بر بهره برداری نامتوازن از منابع و منافع و زیان های اکولوژیک ناشی از آن در پیوستار تاریخی



پاسخ به بخش دوم پرسش هم آشکارا نه است. ابرتولیدکنندگان دی اکسید کربن در جهان، پاسخ گوی نقش آفرینی ویرانگر خود در برابر آنچه با آینده زمین و زیست مندان آن می کنند، نیستند. چرا که الگوی اقتصادی ارتدکس که می گوید از هر بازدارنده ای که تولید بیشتر را نشانه رود، باید دوری جست، در دستور کار این کشورها قرار دارد و بر بنیان چنین نگرشی به اقتصاد بود که جورج بوش، رئیس جمهوری کشوری که بیشترین اندازه تولید و رهاسازی این گازها را انجام می دهد، می گفت: «ما به هیچ اقدامی که اقتصادمان را به خطر بیندازد، دست نخواهیم زد، زیرا اولویت نخست ما مردم آمریکا هستند» (سینگر، ۲۰۰۲)

او در گفت وگوهای انتخاباتی خود در سال ۲۰۰۰ آشکارا گفته بود: «اجازه نخواهم داد که آمریکا بار پاکیزه سازی هوای کره زمین را بر دوش گیرد و این چیزی است که کیوتو از ما می خواهد، درحالی که چین و هند از مفاد این پیمان نامه جدا شده اند» (سینگر، ۲۰۰۲).

مردم آمریکا هم که هرکدام شان دست کم هشت برابر مردم کشورهای بیرون از گروه هشت، کربن بیشتری در سال تولید و رهاسازی می کنند، فردای روز این گفت وگو انتخاباتی، در انتخاباتی آزاد و دموکراتیک، بوش پسر را راهی کاخ سفید کردند. دموکراسی در آن انتخابات بدون خدشه جاری بود ولی آیا مردم جهان و به ویژه کشورهای که تا چند سال دیگر در پی افزایش تولید کربن و گرمایش جهانی، سرزمین شان برای همیشه زیر آب اقیانوس ها ناپدید خواهد شد، باید سپاسگزار و آرزومند دستیابی به چنین دموکراسی ای باشند؟

بوش پدر هم در دوران ریاست جمهوری خود در نشست سران کره زمین در شهر ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ چنین دیدگاهی را بیان کرده بود. او در پاسخ به نمایندگان کشورهای در حال توسعه که از او خواسته بودند چالش مصرف بیش از اندازه منابع طبیعی در کشورهای توسعه یافته را در دستور کار کنفرانس بگنجانند، کوتاه و گویا، بی پرده و بی پروا گفته بود: «بر سر سبک زندگی آمریکایی نمی توان گفت وگو کرد.»

دیدگاه خودپسندانه بوش پدر که مردم آمریکا را تافته جدا بافته می دانست، در آن زمان این چنین با واکنش

نمی پردازم. برابند و میانگین همه این داده ها بیانگر آن است که در سال ۲۰۲۲، میانگین غلظت جهانی CO₂ در جو زمین، نزدیک به ۴۲۱ ppm بوده که این نشان دهنده افزایش ۵۰ درصدی CO₂ در مقایسه با سال های آغازین انقلاب صنعتی است. داده ها می گوید افزایش سوزاندن سوخت های فسیلی، بیشترین نقش آفرینی در افزایش غلظت CO₂ و در پی آن، تغییر اقلیمی را داراست. تولید سیمان و جنگل زدایی نیز پس از سوزاندن سوخت های فسیلی بیشترین نقش آفرینی در تولید دی اکسید کربن مازاد واردشده به اتمسفر را دارا هستند.

تولید گازهای گلخانه ای هر ریشه و دلیلی که داشته باشد، برخلاف دیدگاه پرزیدنت ترامپ نمی تواند و نباید با چنین شتابی ادامه یابد. از سوی دیگر «کشورهای در حال توسعه حق دارند در این میان جویای سهم خود باشند، چرا که نمی توان از آنها خواست به بهانه حفظ محیط زیست به استانداردهای پایین زندگی امروزی خود بسنده کنند، آن هم در حالی که مشکل گرم شدن کره زمین تا امروز ناشی از استفاده بی اندازه کشورهای صنعتی از سوخت های فسیلی بوده است» (سینگر، ۲۰۰۲). بشر امروز باید این دوگانگی و تضاد را به نحوی عادلانه حل و فصل کند.

در اینجا باز هم پای جهان شمال و چالش بدهی محیط زیستی به جهان جنوب و کشورهای در حال توسعه به میان می آید. کدام کشورها و کدام ملت ها در گذر دوران، سهم بیشتری از منابع طبیعی زمین برده اند و بیشترین مقدار دی اکسید کربن را راهی اتمسفر زمین کردند و پرسش بنیادین اینکه آیا این کشورها و ملت ها در برابر آنچه با کره زمین کردند، پاسخ گو هستند یا نه؟

چین (۲۶ درصد)، ایالات متحده (۱۳.۸ درصد)، اتحادیه اروپا (۹.۳ درصد)، هند (۶.۴ درصد) و روسیه (۴.۸ درصد) از کل دی اکسید کربن واردشده به اتمسفر زمین در سال ۲۰۱۵ را تولید کرده اند.

در این میان ایالات متحده آمریکا بدترین جایگاه و کارکرد را داشته، چرا که «به ازای هر نفر آمریکایی در سال، ۵.۶ تن دی اکسید کربن تولید می کند و این در حالی است که بقیه جهان بیرون از کشورهای گروه هفت، سالانه به طور میانگین ۰.۷ تن دی اکسید کربن به ازای هر نفر تولید می کنند» (فاستر، ۲۰۰۹).



نابرابری، پیامدهای گرمایش سیاره‌ای را وخیم‌تر می‌کند

بیش‌تر مالیات‌های کربنی نه‌تنها متریقی نیستند، بلکه به جای ثروتمندانی که بیش‌ترین مسئولیت را دارند، بار بیش‌تری را بر دوش اقشار متوسط و کم‌درآمد می‌گذارند.

سیاست‌هایی که برای کاهش گازهای گلخانه‌ای تدوین می‌شوند، باید همزمان با مهار مصرف افراطی ثروتمندان و تولید بهره‌کشانه و استثمارگرانه در سراسر جهان که برای تأمین تقاضای آن‌هاست، همراه باشد.

سود در برابر منافع عمومی

در همین حال، شرکت‌های فراملیتی و دولت‌های غربی از اجرای بند «استثنای سلامت عمومی» در توافقنامه‌ی مالکیت فکری سازمان تجارت جهانی (TRIPS)، که به کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی اجازه می‌دهد که در شرایط اضطراری سلامت عمومی، بتوانند قوانین مالکیت فکری مثل حق اختراع داروها را موقتاً کنار بگذارند تا دسترسی به داروهای حیاتی ارزان‌تر و آسان‌تر شود، سرباز زده‌اند. این بند در سال ۲۰۰۱ در نشست دوحه‌ی WTO تصویب شد تا مذاکرات تجاری پس از شکست اجلاس سیاتل از سر گرفته شود.

با این حال، دولت‌های کشورهای ثروتمند درخواست کشورهای درحال توسعه برای معافیت موقت از این مقررات را، به‌منظور تولید داخلی و ارزان آزمایش‌ها، درمان‌ها، تجهیزات و واکسن‌های کووید-۱۹، مسدود

رومانو پرودی، نخست وزیر وقت ایتالیا و رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا، روبه رو شد که «اگر کسی بخواهد رهبری جهانی باشد، باید بداند که چگونه از همه کره زمین حفاظت کند و نه فقط از مردم و اقتصاد آمریکا!» (سینگر، ۲۰۰۲).

ولی در سال ۲۰۲۵ و وقتی پرزیدنت ترامپ دیدگاه‌های بوش پدر و پسر را درباره تولید و مصرف و جایگاه اقتصادی آمریکا تکرار می‌کرد، هیچ رئیس جمهور یا رئیس دولتی نبود که پاسخی محکم به او بدهد. گویی دنیای ما در حال افول است.

همه اینها بیانی آشکار از این رویکرد است که جهان شمال به رهبری آمریکا برنامه‌ای برای پرداخت بدهی محیط زیستی خود به مردم جهان جنوب ندارد و این فقط خبری بد برای مردم جهان جنوب نیست؛ این خبری ناگوار برای همه زمین و زیست‌مندان آن است. و گویا دادگاهی هم در این جهان نیست که این بیداد را بستاند.

نابرابری، پیامدهای گرمایش سیاره‌ای را وخیم‌تر می‌کند

جومو وامه سوندارام / ترجمه سرخیوم

گزارش نابرابری جهانی تأکید می‌کند که نابرابری در انتشار گازهای گلخانه‌ای عمدتاً ناشی از نابرابری‌های درون‌کشوری است. در همین حال، انتشار این گازها همچنان رو به افزایش است و انباشت آن‌ها موجب شتاب بیش‌تر گرمایش زمین می‌شود.

۱۰ درصد ثروتمندترین در آمریکای شمالی، بزرگ‌ترین منتشرکنندگان گازهای گلخانه‌ای هستند. میانگین انتشار آن‌ها ۷۳ برابر بیش‌تر از نیمه‌ی پایینی جمعیت کشورهای جنوب و جنوب‌شرق آسیاست.

دهک بالایی جهان به‌تنهایی تقریباً نیمی از کل گازهای گلخانه‌ای جهان را تولید می‌کند. با ثروتمندتر شدن این گروه، تأثیرات منفی زیست‌بومیشان نیز بیش‌تر می‌شود.



باقیمانده جهان را مصرف کنند، بودجه‌ای که اگر از آن فراتر رویم، احتمال قطعی عبور از ۱.۵ درجه‌ی سانتی‌گراد افزایش دما نسبت به دوران پیشاصنعتی را به دنبال خواهد داشت.

با این حال، حتی در خوشبینانه‌ترین سناریوی اخیر IPCC، انتظار می‌رود که این آستانه‌ی ۱.۵ درجه تا سال ۲۰۴۰ شکسته شود!

اما حتی پیش از آنکه رئیس‌جمهور ترامپ دوباره (پس از انتخاب مجددش) شتاب گرمایش را افزایش دهد، نماینده‌ی ویژه‌ی وقت سازمان ملل و نخست‌وزیر کنونی کانادا، مارک کارنی، هشدار داده بود که این آستانه تا پایان همین دهه شکسته خواهد شد!

منبع: سایت آژگار

جین گودال؛ زنی که در کنار شامپانزه‌ها زندگی کرد



جین گودال، نخست‌شناس، کردارشناس و سرشناس‌ترین فعال حفاظت از شامپانزه‌ها در سالگی درگذشت. ۹۱

مشاهدات جین گودال از کردار شامپانزه‌ها کمک کرد نشان دهد انسان‌ها تا چه اندازه با شامپانزه‌ها خویشاوند نزدیک هستند. او همچنین بی‌وقفه برای پروژه‌های حفاظت از محیط زیست در سراسر جهان فعالیت کرد.

بر اساس بیانیه موسسه جین گودال، دکتر گودال در حالی که در جریان یک تور سخنرانی در آمریکا و در ایالت کالیفرنیا بود، بر اثر مرگ طبیعی درگذشت.

کردند. بنابراین، به همین منوال بعید است که در آینده، تخفیف معناداری در زمینه‌ی مالکیت فکری به کشورهای در حال توسعه داده شود تا آن‌ها بتوانند اقداماتی مؤثر برای کاهش یا سازگاری با گرمایش سیاره‌ای انجام دهند.

در حالی که منشأ گرمایش جهانی در سطح محلی است، اما اثرات آن جهانی و نابرابرند. سیاست‌ها و تدابیر مقابله‌ای، هزینه‌بر هستند و معمولاً بار بیش‌تری بر دوش فقرا و طبقات متوسط وارد می‌کنند. گرچه گزینه‌های جایگزین می‌توانند عدالت و پایداری بیش‌تری به ارمغان بیاورند، اما بسیار دشوار است که مقاومت جمعی و مؤثری در برابر گرمایش سیاره‌ای شکل گیرد.

بی‌عدالتی اقلیمی

انباشت تاریخی گازهای گلخانه‌ای دلیل اصلی گرمایش جهانی است. از سال ۱۸۵۰ تا ۲۰۱۱، کشورهای توسعه‌یافته تقریباً ۸۰ درصد کل این گازها را تولید کرده‌اند. با این حال، تأثیرات منفی گرمایش جهانی بر کشورهای در حال توسعه در مناطق استوایی بیش‌تر است. این کشورها توانایی کمتری برای مقابله دارند، زیرا فضای سیاست‌گذاری و منابع آن‌ها محدود است. تعهدات کشورها به «کربن خالص صفر» (Net Zero)، بار اقلیمی ناشی از انتشارهای گذشته را نادیده می‌گیرد و این، چشمانداز یک «گذار عادلانه» را تضعیف می‌کند. در مذاکرات بین‌المللی، اقتصادهای ثروتمند مسئولیت تاریخی خود را برای «بدهی اقلیمی» نپذیرفته‌اند و تنها بر انتشار کنونی تمرکز می‌کنند و انباشت دو قرن اخیر را نادیده می‌گیرند.

نادیده گرفتن این بدهی اقلیمی تاریخی، بهانه‌ای شده برای انکار پرداخت خسارت به کشورهایی که بیش‌ترین آسیب را دیده‌اند. کشورهایی که عمدتاً درآمد پایین یا متوسط دارند و هم‌اکنون نیز دچار خسارات جبران‌ناپذیری شده‌اند. این چشم‌پوشی نه تنها ناعادلانه است، بلکه نتایج معکوس دارد. زیرا همبستگی و همکاری بین‌المللی برای مقابله با گرمایش جهانی را تضعیف کرده است.

عبور از آستانه‌ی خطر

پیش‌بینی می‌شود کشورهای ثروتمند با انتشار فعلی خود، تا سال ۲۰۵۰ حدود سه‌پنجم از بودجه کربنی